

تهران

بَلَدٌ جَوَاهِرُ كَلَامٍ

۵- قزوینی در اثار البلاد میگوید تهران ده بزرگی است باغ و میوه فراوان دارد مردمان اینجا مانند مورچه در خانهها یا لانههای زیر زمینی منزل دارند و همینکه موقع مناسب دیدند از زیر زمینها بیرون تاخته فرماندهان و همسایگان را قتل و غارت میکنند. تهرانیها کمتر زیر بار کسی رفته و یا بکسی مالیات میپردازند و هرگاه هم که بخواهند اسماً مالیاتی بدهند بمیل خود تسلیم میکنند مثلاً چند تخم مرغ و یا یکی دو کاسه را بجای ده دینار مالیات پرداخت میکنند. تحصیل دار هم دانسته و فهمیده اثرا میپذیرد زیرا حکام و عمال دولتی میدانند که زرد خورد با تهرانیان کار اسانی نیست. و همینقدر هم که بظاهر تخم مرغ را بابت ده دینار میدهند باید ساکت بود.

۶- حمداله مستوفی قزوینی در تزهة القلوب (قرن هشتم هجری) نیز از باغها و میوههای نیکوی تهران تعریف و توصیف مینماید. از جهانگردان نامی پیش از صفویه (روی دی کلاویجو) سفیر و مامور فوق العاده اسپانیا در اوایل قرن پانزدهم میلادی (۱۴۰۴) هنگام عزیمت بدربار تیمور از تهران گذشته و از اب و هوای ناسازگار آن شکایت میکند. کلاویجو میگوید تهران اگرچه شهر زیبایی است اما مانند دیگر شهرهای ایران برج و بارو ندارد.

در هر حال آنچه مسلم است تهران پیش از یکده بزرگ و یا یک شهرک بیبرج و بارو چیز دیگری نبوده و فقط از آغاز تاسیس خاندان صفوی اعتبار و اهمیت تازه پیدا کرده سبب هم

از تهران پیش از اسلام تا کنون مدرک صحیحی بدست نیامده و تصور اینکه (تازورا) واقع در کنار (راژیس) قدیم همان تهران امروزی است کاملاً اشتباه میباشد زیرا بطور تحقیق منظور از تازورا و راژیس مذکور در الواح ثئودوس راژسی است که در نزدیکیهای یزد بوده و اکنون خرابیهای آن وجود دارد. اما تهران بعد از اسلام در تألیفات جغرافی نویسان و تاریخ نگاران بترتیب زیر مذکور میباشد. (۱)

۱- در انساب سمعانی از مولفات قرن ششم هجری (۵۵۵) نامی از تهران برده شده و آنرا از دهستانهای ری میگویند.

۲- ابن راوندی مولف کتاب راحة الصدور در تاریخ سلجوقیان (۵۹۹ هجری) مینویسد در روز سه شنبه هفتم ماه رجب ۵۶۱ والده سلطان ارسلان و سالار کبیر مظفرالدوله از ری حرکت کرده و بتهران فرود آمدند.

۳- ابن اسفندیار در تاریخ طبرستان (۶۱۳ هجری) راجع بجنک افراسیاب و منوچهر از تهران و دولا بکنار تهران نام میرد.

۴- یاقوت حموی در معجم البلدان (۶۲۱ هجری) ضمن ذکر تهران (ولی باط مولف) میگوید مردمان اینجا در خانههای زیر زمینی منزل دارند و پیوسته با همسایگان و فرمانروایان در حال جنگ و شورشند و کمتر خودشان و نزدیکانشان آرام هستند.

(۱) اصطخری و مسعودی از جغراف نویسان قرن چهارم بطور صریح از تهران نامی نبرده اند.

پس از جهانگرد ایتالیائی سر توئاس هربرت انگلیسی در سال ۱۶۲۷ میلادی برابر ۱۰۳۸ هجری قمری بتهران آمده و میگوید این شهر در وسط جلگه ای قرار گرفته هزار خانه و چند بازار دارد. بازارهای تهران برعکس سایر بازارهای ایران سرگشاده است. تاکستانها، باغها، انجیرستانها. چشمه ها، جویبارها و از همه چیز بهتر زنان ماهروی تهران دامنگیر رهگذران و جهانگردان میشوند و با اینکه کم و بیش رو بسته اند با چشمان جادو خیز هر تماشاچی را ببند میاندازند. «تلوریه» گرچه تهران را ندیده ولی اشاره بان کرده است شاردن تهران را دیده و شرحی راجع بان نوشته است ولی هیچکدام از این دو نویسنده فرانسوی اهیتی برای شهر تهران قائل نشده اند. آخرین واقعه مهم تاریخی شهر تهران در زمان صفویه پذیرائی شاه سلطان حسین از ایلچی کبیر عثمانی میباشد و پس از آن فتنه افغان تهران را مانند سایر شهرهای ایران ویران ساخت نادرشاه هنگام بازگشت از هند ملاحی شیعه را در تهران احضار کرده و راجع باتحاد و اسلام و همکاری با شیعیان مذاکراتی نمود و چندی پس از آن رضا قلی میرزا فرزند ارشد نادر باهر پدر در تهران کور شد و در همین شهر هم بگور رفت. تهران پایتخت ایران است. بعد از مردن کریم خان زند آغا محمد خان قاجار از شیراز گریخته و بمازندران و گرگان رفت و با کمک ایل قاجار آن نواحی را باطاعت خویش در آورد



مجسمه سوم اسفند - تهران

ظاهر این باشد که چون پادشاهان صفوی خود را از احفاد حمزه بن موسی الکاظم علیه السلام میدانستند برای زیارت قبر جد خودشان امامزاده حمزه واقع در شهرری (مزار حمزه بن موسی الکاظم در جوار بقعه عبدالعظیم حسنی در شهرری میباشد) میآمدند و بواسطه باغها و میوهای فراوان که از دیر زمانی بان مشهور بوده در این شهر اردو میزدند و از همانروز کم کم آبادی تهران شروع شد و نخستین برج و باروی شهر تهران در سال ۹۶۱ هجری قمری برابر ۹۲۰ شمسی بفرمان شاه طهماسب صفوی فرزند شاه اسمعیل ساخته شد و کریم خان زند مؤسس ساسه زندیه اولین عمارت سلطنتی تهران را در سال ۱۲۰۰ هجری قمری برابر ۱۱۶۰ هجری شمسی بنا کرد که تا اکنون هم محلی در عمارت سلطنتی تهران بنام خلوت کریم خانی بیادگار آن بنای پیشین شهرت دارد. اگرچه پیش از کریم خان زند شاه سلیمان صفوی نیز باغ و عمارت در تهران ساخته بود اما آن ساختمان انقدر تعریفی نداشت که جزء بناهای سلطنتی بشمار آید. آنچه مسلم است پادشاهان صفوی علاقه زیادی بتهران ابراز میداشتند شاه عباس بزرگ بیش از سایر پادشاهان انخاندان بشهر تهران آمد و شد داشت و از میوها و باغها و منظره های زیبا و کوهستان اطراف آن استفاده میکرد اما در یکی از همین مسافرتها شاهنشاه ایران در اثر تناول میوه زیاد و یا بواسطه ناسازگاری هوای تهران بیمار شده و از انموقع تهران را ترک کرده و دیگر بانجا نیامد و بعلاوه خان را که مغضوب شاه و طرف بی میلی بود عمداً فرمانداری این شهر ناهلیم انتخاب نمود.

پترودولاوال، ایتالیائی در سال ۱۶۱۸ میلادی برابر

۱۰۲۸ هجری قمری تهران را دیده و میگوید تهران خیل از کاشان بزرگتر است ولی حیف که جمعیت ندارد و بجای جمعیت جنگل انبوه و درختان میوه دار و بیمیوه در تهران دیده میشود. چنارهای تهران بقدری کلفت است که یک چنار را سه مرد بغل میکنند خیابانهای این شهر در گرمای تابستان مانند فردوس برین سایه دار و روح بخش است. تسیم ملایم مطبوعی در وسط ظهر از میان شاخه های انبوه درختان وزیده و جان تازه بمردم این شهر میدهد شکفت اینک در این شهر با صفا یک عمارت سنگی و آجری که قابل دیدن باشد ساخته اند حتی منزل فرماندار هم از خانه های عادی چندان نفولت ندارد.

و شهر ساری را پایتخت خود قرار داد اما کم کم از مازندران



بنای بانک ملی مرکز-تهران

و گرگان تجاوز کرده بقصد تسخیر فارس و عراق عجم حرکت نمود و پس از انجام آن منظور بفکر افتاد که پایتخت خود را از ساری بشهر دیگری انتقال دهد تا هم بفارس و عراق عجم نزدیک باشد و هم گرگان و مازندران را تحت نظر بگیرد بعلاوه جائی باشد که برای لشکر کشی و حمله و یا دفع حمله قفقاز و گرجستان هم مفید واقع گردد پس از مطالعات بسیار بالاخره شهر تهران را مناسب این کار دیده و در سال ۱۷۸۸ میلادی برابر ۱۲۰۲ هجری قمری تهران پایتخت ایران شد. در اولیور، انگلیسی در سال ۱۷۹۷ میلادی برابر ۱۲۱۲ هجری قمری تهران پایتخت آغا محمد خان را دیده میگوید مساحت پایتخت خان قاجار قریب دو میل و جمعیت آن کمتر از ۱۵ هزار نفر بود بطور کلی آغا محمد خان برای آباد کردن تهران و یا هر شهر دیگری وقت و ذوق و سلیقه نداشت و بیشتر اوقات خود را بلشکر کشی و مبارزه با مخالفین داخلی و خارجی میگذراند ازینرو تا هنگام مرگ آغا محمد تهران پایتخت با تهران بیش از پایتخت چندان فرقی نکرد و از زمان فتحعلی شاه کم کم آبادی تهران پایتخت آغاز میگردد و اگرچه این پادشاه نیز تابستانها بچمن سلطانیه نزدیک زنجان میرفت اما باوجود این بیش از عمومی خود آغا محمد دقت و سلیقه آباد کردن

تهران را داشت. کاخ تابستانی قصر قاجار در سه میلی شهر تهران از بناهای فتحعلی شاه است و تا امروز بهمان نام شهرت دارد ولی بجای آن باغ زندان ساخته اند.

ژنرال گاردان فرانسوی که در سال ۱۸۰۷ برابر ۱۲۲۲ هجری قمری ایام فتحعلی شاه بتهران آمده جمعیت پایتخت را پنجاه هزار نفر مینویسد. موریه انگلیسی در همان اوقات جمعیت تهران را ۶۰ هزار نفر نوشته است باین تفاوت که در تابستان تقریباً شهر خالی میشود زیرا بیشتر مردم بواسطه گرما و بدی هوا بکوهستانهای اطراف فرار میکنند. دور تا دور تهران فتحعلی شاه یک دیوار گلی بلندی با ارتفاع بیست پا و پای دیوارها خندقهایی بعمق ده پا دیده میشد و بفاصله های غیر معین چندین برج گلی روی این دیوارها بپا کرده بودند و برای آمد و شد از میان این دیوارها شش دروازه شکافته میشد که با کاشیهای معرق بسیار زیبا منقش بود کوچکهای شهر باریک و تنگ و یگانه عمارت مهم آن ارگ سلطنتی از بناهای کریم خان بود که فتحعلی شاه نیز بر وسعت و عمارت آن افزود فتحعلی شاه بتقلید مسجد شاه اصفهان مسجد شاهی نیز در تهران بنا کرد که هم اکنون گنبد طلایی آن از میان درختان انبوه پایتخت سر کشیده زیر اشعه خیره کننده آفتاب برق میزند نگارستان زمان فتحعلی شاه نیز از آثار مهم آن عصر بود که اکنون بعمارت دانشسرای عالی تبدیل یافته است. نگارستان بواسطه استخرهای وسیع و درختهای چنار، تالار نقاشخانه و تا بلوهای زیبا (بهمن جهت اثر نگارستان یا نگارخانه میگفتند) و از همه بالاتر حمام و صفه مرمرش مورد توصیفات شاعرانه فراوانی قرار گرفته است. زمانی که لرد کرزن بتهران آمده بود نگارستان آن آبادی و دلربایی سابق را نداشته و باوجود این لرد کرزن راجع بعمارت مزبور چنین میگوید.

در این عمارت نیم ویران و حمام بی اب و آن صفه های مرمر سراسیب و حوضهای کاشی کاری زیبایی است که پادشاه پادشاهان پری پیکران برهنه را از بالای صفه مرمر سر داده و در میان حوض آب مانند ماهی آنان را میربودند (لرد کرزن) از در و دیوار این سرای محبت صدای قهقهه صدها دلبران و ماهروی را بگوش جان میشنیدم در تالار نگارخانه تا بلوهای

نقاشی بسیار زیبای فتحعلی شاه را با پنجاه پسر در روز سلام نوروز مشاهده نمودم که در روی تخت طاووس جلوس نموده و از یکطرف سر جان ملکم و سر هافورد جوتز و سر گوراوزلی انگلیسی و از طرف دیگر رقیب آنان ژنرال گاردان فرانسوی را بحضور پذیرفته بود عمارات و ساختمانهای مشهور بکلاه فرنگی نگارستان نیم ویران بود و امید ترمیم آن هم نمیرفت. محمد شاه نواده و جانشین فتحعلی شاه هم عمرش وفا نکرد که بزبانی و آبادی تهران سر و صورتی بدهد و یگانه آثار مهم این پادشاه قصری است بنام محمدیه که برای اقامتگاه تابستانی پادشاه در قریه تجریش شمیران از توابع تهران ساخته شده محمد شاه در همان کاخ بیلاقی زندگانی را بدرود گفت حاج میرزا آغاسی وزیر بزرگ و صدر اعظم محمد شاه قناتهای چندی در کنار تهران احداث نمود.

تهران ناصر الدین شاه - ناصر الدین بواسطه مسافرتهای متعدد بفرنگستان و دیدن شهرهای بزرگ اوضاع پایتخت خود را تا درجه ای ترقی داده و عمارتها و کارخانها و خیابانهای تازه در تهران بنا کرده و یک رشته تراموای اسبی در آنجا بکار انداخت در زمان ناصر الدین شاه سه مرتبه شهر تهران سر شماری و نقشه برداری شد. اول در سال ۱۳۰۱ قمری هجری برابر ۱۲۶۲ شمسی هجری در تحت نظر میرزا سید شفیع خان مدیر لشکر که جمعیت شهر را در انموقع ۱۰۶۴۸۲ نفر قلمداد کردند. دوم - در سال ۱۳۰۹ قمری هجری برابر ۱۲۷۰ هجری شمسی در تحت نظر مرحوم نجم الملک و جمعیت را ۱۹۰,۰۰۰ نفر نوشته اند. سوم در سال ۱۳۱۱ هجری قمری برابر ۱۲۷۲ شمسی هجری که انموقع نیز جمعیت شهر قریب ۱۷۰ هزار نفر تخمین شد شکی نیست که آمارهای نامبرده از روی اصول علمی اتخاذ نشده بود و هر رقمی را که نسبت به سکنه تهران گفته اند بیشتر جنبه حدس و تخمین داشت ولی آنچه که محقق است در همان موقع شهر تهران عبارت از شش محله یا کوی بود از اینقرار: بازار - عودلاجان - سنگلج - چاله میدان - ارگ - دولت - و مطابق نقشه ای که در سال ۱۳۱۱ قمری توسط مرحوم نجم الملک از شهر تهران برداشته شده عرض آن از خط استوا بسمت شمال ۳۵°۴۰'۵۳ درجه و طول آن از پاریس ۵۱°۴'۵۸ درجه طرف شرق و از مبدأ گرینویچ ۱۲°۲۵'۵۱

و از جزیره خالدات که مبدأ قدامت ۱۹°۳۴'۲۸ درجه میباشد. فشار هوا به میلیمتر در عالیترین درجه ۶۶۳'۹ میلیمتر و پست ترین آن ۶۴۰'۵ میلیمتر میشود. عالیترین درجه حرارت ۴۱'۶ درجه سانتیگراد و پست ترین آن یازده درجه زیر صفر بوده است. ارتفاع آب باران را در این شهر ۲۲۳ میلیمتر و ارتفاع افتاب در تابستان ۷۷'۴۸ درجه و در زمستان ۳'۵۲ درجه میشود.

روزهای اقبالی تهران بالنسبه از سایر شهرهای مرکزی ایران زیاده تر است زیرا بطور متوسط سالی ۴۴ روز در تهران برف و باران میبارد و ۱۱۰ روز هوا ابر و بقیه روزهای سال افتاب است. دراز ترین روزهای تهران ۱۴ ساعت و ۲۶ دقیقه و کوتاه ترین روزهای آن ۹ ساعت و ۲۴ دقیقه میشود (۲) مشخصات تهران ناصرالدین شاه را میتوان در نامهای زیر خلاصه کرد و البته هر یک از آنها موضوع تحقیقات و بررسیهای جلب توجه کنند خواهد شد و اینک بطور فهرست از آنها نامبرده و شاید بعد ها درباره این موضوعها بتفصیل قابل شویم.

فرض که در اواخر سلطنت ناصر الدین یعنی سال ۱۳۱۲ هجری بتهران بیاید آثار برجسته تهران انروز از اینقرار است:

دروازها - میدان توپخانه - میدان مشق - تکیه دولت - نقارخانه - ارگ - عمارت سلطنتی تخت مرمر - گلستان - موزه - اطاق نظام - مسجد سیه سالار قدیم - مسجد سیه سالار جدید - بازار کنار خندقی - شمس العماره - خیابان ناصریه - سقارنخاها - بازار شاهنشاهی ایران - تراموای اسبی شهر - کارخانه گاز - تلگراف خانه - دارالفنون - مطبعه همایونی - پستخانه - کاخ دوشان تپه در خارج شهر - راه آهن تهران بقصه حضرت عبدالعظیم در جنوب تهران - کاخهای بیلاقی صاحب قرانیه - نیاوران - سلطنت آباد - وغیره در شمال. پارک معودیه متعلق به ظل السلطان پسر شاه در داخل شهر. پارک امیریه در مغرب تهران متعلق بامیر کبیر نایب السلطنه پسر دیگر ناصر الدین شاه - بیمارستان دولتی و بسیاری چیزها و جاهای دیگر که محتاج بشرح و بیان خواهد بود.

(۲) ارقام و اطلاعات مزبور از تقویم سالنامه ۱۳۱۲ قمری هجری مرحوم نجم الملک و سالنامه ۱۳۱۰ شمسی شهر داری تهران اقتباس شده است.